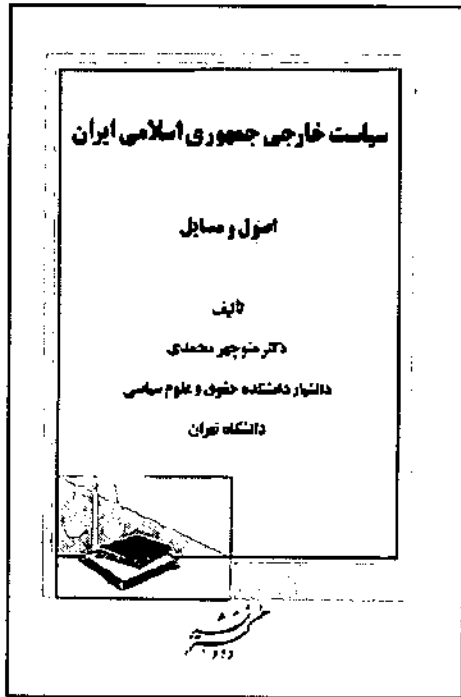


سیاست خارجی ایران در دو دهه اخیر



■ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل
■ منوچهر محمدی
■ دادگستر

مقدمه

کمیون کتاب‌هایی در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موجب می‌شود که با ورود کتاب‌جدیدی در این زمینه، توجه علاقمندان به آن جلب گردد. خوانندگان اغلب انتظار دارند، موضوع و نکته‌جدیدی را در کتاب تازه انتشار یافته بیابند. بدیهی است که مراجعه‌کنندگان پس از مطالعه هر کتاب به همه آنچه که انتظار دارند، دست نیابند اما انتظار آن است کتابی که در تکمیل کتاب دیگری منتشر می‌شود بتواند کاستی‌های اثر پیشین را رفع کند. در سال ۱۳۶۶ کتابی تحت عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دکتر منوچهر محمدی که تدریس‌درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی بر عهده دارد، منتشر شد.^(۱)

این کتاب در زمانی که تعداد کتابهای فارسی در مورد سیاست خارجی ایران به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسید،^(۲) با استقبال نسبی روبرو شد. یازده سال بعد مؤلف محترم با افزودن «مسایل» به «اصول» اقدام به تجدید چاپ کتاب می‌کند. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بخش اول و مسایل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بخش دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف در همین زمینه در پیشگفتار کتاب آورده است: «تدریس سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دانشگاه‌های کشور طی چند سال گذشته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و فقدان منابع مفید و ذریع، اینجانب را بر آن داشت که با استفاده از مباحث مطروحه با دانشجویان در کلاس نسبت به تهیه تنظیم مطالب آرایه شده در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی اقدام کنم». اگر بخواهیم به گونه‌ای مناسب به معرفی و ارزیابی این اثر بپردازیم، ابتدا باید به نکاتی پیرامون مفهوم ماهیت و موضوع‌های سیاست خارجی اشاره کنیم.

بحث نظری

مفهوم سیاست خارجی را می‌توان به چهار بخش شامل راهبردها، نقش‌های ملی، هدفها و رفتارها تقسیم کرد.

هر بازیگری در عرصه نظام بین‌الملل راهبردهای ویژه خود را دارد. تدوین این راهبردها از طریق تهیه طرح‌هایی ممکن می‌شود که عوامل مختلف از جمله علایق، منافع، ابزارها، زمان، مکان و نو محیط داخلی و عملیاتی را به طور دیالکتیک

● علی عنایتی شبکلائی
پژوهشگر علوم سیاسی

در هم می‌آمیزد. شناسایی دقیق و عینی این عوامل و برآیند ناشی از سرجمع آن، بازیگر را قادر می‌سازد تا با بکارگیری استعدادهای نهفته حداکثر مطلوبیت را به نفع خود ایجاد کند. در تدوین راهبرد، به کارکردهای مختلفی نیاز است که به مقتضای آن باید ساختارهای مناسب را ایجاد کرد. در تدوین راهبرد روش واحدی وجود ندارد بلکه بنا به گرایش‌های فکری گوناگون، راهبردهای واقع‌گرا، آرمان‌گرا، رفتارگرا و فرار رفتارگرا، اتخاذ می‌شود.

از سوی دیگر راهبرد یک دولت به ندرت در یک تصمیم یا یک رفتار نمایان می‌شود، بلکه از خلال تصمیمات و رفتارهای متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدفها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند. بابررسی ساختار قدرت، نفوذ و اعمال واحدهای سیاسی در نظام‌های بین‌المللی، بدون در نظر گرفتن زمینه تاریخی، دست کم می‌توان سه راهبرد اساسی را که توسط کشورها انتخاب شده است، مشخص کرد: انزواگرایی، عدم تمهد و ایجاد ائتلاف و تشکیل اتحاد.

راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، راهبرد عدم تمهد است که در قالب نشرقی و نه غربی دنبال می‌شود. مفاهیم نقش ملی باراهبردها رابطه‌های نزدیک دارند. اما این نقش‌ها از راهبردها خاص‌ترند، زیرا رفتارهای مشخص‌تری را نشان می‌دهند یا چنین رفتارهایی را در پی دارند. نقش‌ها، گرایش‌ها و ایستارهای اصلی در مورد جهان‌خارج و همین طور متغیرهای سیستمی، جغرافیایی و اقتصادی را منعکس می‌سازند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف چند نقش را به طور همزمان دنبال کرده است. از جمله می‌توان به نقش‌هایی مانند سنگر انقلاب، حامی جنبش‌های رهایی بخش، عامل ضد امپریالیست‌منافع یک اقتصاد خاص، دولت مستقل فعال، دولت‌میانی، همیار در ایجاد نظام فرعی منطقی، عامل توسعه داخلی و توازن بخش اشاره نمود.

هر دولتی سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که خواستها و نیازهای امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اش در کوتاه مدت یا بلندمدت تامین شود. در واقع

دستیابی به این نیازها، هدفهای ملی کشورها را شکل می‌دهند. هدفهای ملی در دوره‌های مختلف و در شرایط و مقتضیات گوناگون دگرگون می‌شوند. متغیرهای داخلی و خارجی همچون کشمکش داخلی میان نخبگان سیاسی، رفع نیازهای داخلی و تغییر رفتار سایر بازیگران و دگرگونی‌های محیطی در داخل و خارج، باعث دگرگونی در هدفهای سیاست خارجی می‌شوند. بر این اساس باید سلسله مراتبی را برای هدفهای متنوع ملی در نظر گرفت. در بعضی از شرایط ممکن است امنیت ملی، به دست آوردن و افزایش فن‌آوری، توسعه اقتصادی و رفاهی یا مسایل ایدئولوژیک، اولویت‌های نخست هدفهای سیاست خارجی تلقی شوند در حالیکه با دگرگون شدن پارامترهای شرایط، نوعی جابجایی در هدفهای ملی صورت می‌گیرد. هدفهای ملی را از جنبه‌های مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. هدفهای مستقل و وابسته؛ هدفهای حیاتی، میان مدت و بلندمدت؛ هدفهای ظاهری و واقعی؛ هدفهای سازگار و ناسازگار؛ هدفهای متحد و متفرق؛ هدفهای حفظ و تغییر وضع موجود، از جمله تقسیم‌بندی‌های مختلف از انواع هدفهای ملی است.

مبحث چهارم سیاست خارجی، رفتارها و عملکردها است. بخش عمده این مبحث موضوع روابط خارجی است. در روابط خارجی، ایران تلاش می‌کند، اولاً بالاترین روابط سیاسی و اقتصادی را با همسایگان برقرار کند. ثانیاً روابط خود با کشورهای اسلامی را هرچه بیشتر گسترش دهد. ثالثاً روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را با قدرتهایی که خواهان روابط برابر با جمهوری اسلامی ایران هستند (مانند چین و روسیه) گسترش دهد. اقدام چهارم، گسترش روابط با کشورهای است که دارای امکانات فن‌آوری و اقتصادی مناسب هستند (ژاپن و اتحادیه اروپا). پنجم گسترش روابط با کشورهای جهان سوم، به ویژه آنهایی که توان تامین برخی نیازهای اقتصادی ایران را دارند (هند، برزیل، آرژانتین، آفریقای جنوبی). ششم به موازات اینها پشتیبانی سیاسی، تبلیغی و در برخی موارد اقتصادی از جنبش‌های اسلامی، فعالیت همه جانبه و حضور همیشگی و جدی در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی از دیگر مسایل قابل توجه در روابط خارجی ایران هستند. در بحث روابط خارجی، ابزارها و روش‌های اجرای سیاست خارجی نیز قابل طرح است.

در برخی شرایط ممکن است امنیت ملی، افزایش فن آوری، توسعه اقتصادی یا مسایل ایدئولوژیک، اولویت‌های نخست هدف‌های سیاست خارجی تلقی شوند. اما با دگرگون شدن پاره‌ای از شرایط نوعی جابجایی در هدف‌های ملی صورت می‌گیرد

تدوین راهبردها در عرصه نظام بین‌الملل، از طریق طرح‌هایی ممکن می‌شود که عوامل مختلف از جمله علایق، منافع، ابزارها، زمان، مکان و دوحیط داخلی و عملیاتی را به شکل دیالکتیک در هم بیامیزد

پیشداوریهای غیر مستند، ناتوانی در تلفیق مبانی نظری و مصادیق عینی، نسبت دادن همه مشکلات سیاست خارجی به آمریکا و غفلت از ضعف‌های داخلی یا نقش سایر کشورها در این معضلات و بعضاً پراکندگی و یکدست نبودن مطالب، از نقاط ضعف این اثر است

معرفی کتاب

کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل» دارای پیشگفتار، کلیات و دو بخش اصول و مسایل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است. در پیشگفتار کتاب دکتر منوچهر محمدی، مؤلف کتاب علت تألیف کتاب و بخش‌های مختلف آن را شمرده است. در کلیات، بحثی پیرامون چگونگی پیروزی انقلاب و ویژگیهای آن‌امده است. در ادامه به بحث نظری پیرامون سیاست خارجی مانند اهداف، برنامه‌ها و روش‌ها و چگونگی مطالعه سیاست خارجی اشاره شده است.

بخش اول یا همان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارای چهار فصل است. فصل اول اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند. مؤلف اهداف سیاست خارجی ایران را با بررسی قانون اساسی در پنج بند شامل تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی، حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین، حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین‌المللی، دفاع از حقوق مسلمانان و دعوت (صص ۳۰ و ۳۱) مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی بیشتر بررسی حقوقی است نه سیاسی. در این میان مؤلف تنها سراغ اهدافی می‌رود که در اصول ۲، ۳، ۹، ۱۱ و ۱۵۲ قانون اساسی به طور مستقیم به آنها به عنوان اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. در حالی که اهداف دیگری هستند که در اصل‌های دیگر آملطاند مانند «استفاده از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها»، «نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کنشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (اصل ۲)، و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصل ۴۳) که مؤلف اشاره‌ای به آنها نمی‌کند. در ادامه همین فصل، مؤلف به بررسی اصل نشرقی، نه غربی و نقش و بازتاب آن در سیاست جمهوری اسلامی از دو بعد فقهی (ایدئولوژیک) و سیاست بین‌المللی می‌پردازد. از بعد فقهی ریشه‌های دینی این اصل را بر مبنای اصل ولایت، قاعده نفی سبیل و اصل توحید بررسی می‌کند. از جنبه سیاست‌بین‌الملل هم به اصول بی‌طرفی و موازنه منفی و تشریح سیاست نه شرقی و نه غربی می‌پردازد و اظهار می‌دارد که اصل «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد زیرا کبرخلاف تز عدم تعهد حالت تدافعی

و انفعالی نداشت است. (صفحه ۴۸) به نظر می‌رسد نویسنده در این مورد راهبرد عدم تعهد را با راهبرد انزواگرایی یکسان پنداشته است که به آن نسبت تدافعی و انفعالی می‌دهد. در حالی که در راهبرد عدم تعهد، تمایل به تقییب سیاستی تجدید نظرطلبانه در جهت دگرگونی وضع موجود وجود دارد. همچنین در این راهبرد، دولت غیر متعهد شرکت فعال در سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی را وجهه همت خود قرار می‌دهد. بر این اساس در چارچوب راهبرد عدم تعهد دولت غیر متعهدنه تنها خود را از رویدادهای بین‌المللی کنار نمی‌کشد، بلکه خود را محق می‌داند که به ویژه در تصمیم‌های سیاست خارجی که به نوعی به سرنوشت کشورهای جهان سوم مربوط می‌شود، نقش فعالی برعهده داشته باشد. (قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، ۱۳۷۰، صص ۱۵۶، ۱۵۵)

فصل دوم به بحث روش‌ها و چگونگی تنظیم سیاست خارجی اختصاص دارد. در این زمینه سیاست خارجی ایران نسبت به ملت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم و چهارم منابع ملی قدرت در اعمال سیاست خارجی و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تجزیه و تحلیل شده است. منابع قدرت در واقع همان متغیرهایی هستند که به عنوان عناصر قدرت در مورد هر کشور دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد. ساختار تصمیم‌گیری نیز در کشورهای مختلف به‌اشکال گوناگون وجود دارد. این دو فصل از آنجا که به‌بازشناسی عناصر قدرت و ساختار تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته، از مباحث قابل‌توجه کتاب است.

بخش دوم کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که هم به صورت بررسی روندها به دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران می‌پردازد و هم به صورت موردی به مطالعه رویدادها و موضوعات سیاست خارجی ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است.

هر چند این رویدادها براساس تقدم و تاخر زمانی آورده شده‌اند، اما مؤلف معتقد است که هدف صرفاً ارایه‌سیر تاریخی روابط خارجی نبوده است، بلکه رویه اصلی او بررسی موضوعی است. بدین معنا که موضوع خاصی از روابط خارجی از جمله روابط با دولت‌های معین را انتخاب و به صورتی مجزا و مجرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و استنتاج لازم از آن

صورت می‌گیرد. با این حال مؤلف مدعی است که از ترکیبی از دو روش فوق در بخش دوم کتابش بهره گرفته است. (صفحه ۱۰۱) اشغال سفارت آمریکا، جنگ تحمیلی، پذیرش قطعنامه از جمله مهم‌ترین رویدادهای سیاست خارجی ایران در ۲۰ سال اخیر است که دکتر محمدی به بررسی آنها پرداخته است.

فصل اول بخش دوم کتاب به بررسی سیاست خارجی دولت موقت اختصاص یافته است. در این فصل نویسنده پیش و بیش از آنکه به تبیین و نقد سیاست خارجی ایران در دوره گذار دولت موقت بپردازد، به موضع‌گیری سیاسی علیه دولتمردان می‌پردازد و در واقع‌انگیزه سیاسی او جای اندیشه و نقد واقع‌بینانه و علمی را می‌گیرد. اگر چه به عملکرد دولت موقت در زمینه سیاست خارجی، بویژه از نظر بی‌توجهی به توطئه‌های بیگانگان و فاصله گرفتن از آرمانها و اهداف رهبری انقلاب، انتقادهای جدی وارد است. اما به نظر می‌رسد که مؤلف به جای بررسی علمی و نقد عملکردها، بیشتر به ماهیت فکری دولت موقت و حتی دیدگاه اعضای آن پیش از انقلاب توجه نموده است.

اشغال سفارت آمریکا و پیامدهای آن موضوع فصل دوم از بخش دوم کتاب است که در آن به ماجرای اشغال سفارت و تبعات آن روابط ایران و آمریکا و برنامه‌ها و طرح‌های واشنگتن برای آزادسازی گروگان‌ها پرداخته شده است. ریشه‌های سیاسی و تاریخی تجلوز عراق بطیران موضوع فصل سوم است که در آن متغیرهای مؤثر در حمله عراق علیه ایران در چهار سطح نظام بین‌الملل، ساختارها، شخصیت‌ها و همچنین ساختار اجتماعی بررسی شده است. چارچوب این بحث بر مبنای نظریه کنت والتز (Kenneth Waltz) در مورد ریشه‌های کشمکش است. مؤلف در فصل ششم نیز به مساله جنگ تحمیلی پرداخته است. با این تفاوت که در فصل سوم به زمینه‌های حمله عراق به ایران اشاره کرده و در فصل ششم به زمینه‌های پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران پرداخته است. در واقع به طور ضمنی می‌خواهد نشان دهد که جنگ را عراق آغاز کرد و ایران به آن پایان داد. در فصل اخیر دوره‌های مختلف در جنگ تحمیلی تشریح شده و در پایان، پذیرش قطعنامه از دو بعد داخلی (وضعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی) و بین‌المللی (فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی) مورد تبیین قرار گرفته

است.

علاوه بر فصل دوم (اشغال سفارت آمریکا)، مؤلف در فصل‌های چهارم و پنجم نیز به روابط ایران و آمریکا برمی‌گردد و این نشان می‌دهد که در ۲۰ سالگی که از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد روابط ایران و آمریکا یکی از حساسترین، پیچیدهترین و جدی‌ترین موضوعات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. فصل چهارم تحلیلی بر بیانیه‌های الجزایر میان ایران و آمریکا است که پس از آزادی گروهانهای آمریکایی در سال ۱۳۵۹ به امضاء رسید و فصل پنجم به ماجرای سفر رابرت مک‌فارلین به تهران و پیامدهای آن اشاره می‌شود. در مورد امضای بیانیه‌های الجزایر، مؤلف اشاره می‌کند که با توجه به شرایط آن دوره و امکانات و ابزارهایی که امریکادار اختیار داشته است، امضای این بیانیه در واقع به نفع جمهوری اسلامی ایران بوده است بویژه که مؤلف از کلی‌گویی پرهیز کرده و به تحلیل رویدادهای خاص پرداخته است (ص ۱۴۶) در ماجرای سفر مک‌فارلین نیز، نپذیرفتن وی از سوی مقام‌های ایران شکست دیگر برای سیاست خارجی آمریکا بود. (ص ۱۵۶)

فصل هفتم، به بحث نظام بین‌الملل و جایگاه جمهوری اسلامی در آن می‌پردازد. در این قسمت نیز مؤلف انگیزه‌های خود را وارد موضوع کرده است و بموضع‌گیری سیاسی پرداخته است.

همین وضع در فصل هشتم به صورت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آمده است که به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد.

نکاتی در نقد کتاب

علاوه بر مطالبی که در لابلای معرفی فصل‌های کتاب، مطرح شد در بررسی نهایی این اثر، نکات ذیل قابل توجه است:

۱- در بعضی از مباحث کتاب، بویژه در بخش دوم، به جای آنکه حوادث و پدیده‌ها با نگاهی تحقیقی و تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد، به ارائه گزارشی از وقایع اکتفا شده است. (وقایعی مانند جنگ تحمیلی، اشغال سفارت آمریکا، سفر پنهانی مک‌فارلین به ایران پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بیانیه الجزایر و...) ۲- مؤلف، همه مشکلات و موانع بیست ساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به آمریکا و عوامل داخلی آن نسبت داده است. جایگاه و نقش آمریکا در همه وقایع مربوط به سیاست خارجی ایران به شکل برجسته‌ای مطرح شده و از ضعف‌ها و نارساییهای داخلی یا نقش کشورهای مانند شوروی سابق، انگلیس، آلمان و فرانسه در مشکلات سیاست خارجی ایران سخنی به میان نیامده است. اگر چه تقابل ایران و آمریکا و طرفدایان واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران و نقش آنان در مسایل و چالش‌های سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب واقعی غیر قابل انکار است ولی این به معنای آن نیست که همه مسایل سیاست خارجی ایران به آمریکا ختم می‌شود. نادیده گرفتن نقش متغیرهای داخلی و سایر متغیرها و مسایل خارجی از سوی مؤلف از کاستی‌های کتاب است.

۳- مؤلف در بسیاری از مباحث کتاب، بر اساس پیش‌فرض‌ها و حتی گاهی پیش‌دلوری‌های خود، مسایلی را مطرح می‌کند بدون آنکه دلیل یا دلایل اثبات‌کننده‌ای برای آنها ارائه کند.

مثلاً نویسنده در صفحه ۱۸۶ ضمن مقایسه شوروی سابق با ایالات متحده می‌نویسد:

«همان طور که اتحاد جماهیر شوروی به علت اتخاذ معیارها و ارزشهای غلط و ناسازگار با فطرت انسانها در پیاده کردن ایدئولوژی ماتریالیسم و مارکسیسم - لنینیسم از درون فرو پاشید، ایالات متحده آمریکا و مالا دنیای غرب نیز

نویسنده کتاب، خود در متن تحولات بوده و از نزدیک شاهد رویدادها بوده است و این ویژگی در مقایسه با منابعی که پدیدآورندگان آنها از دور نظاره گر بوده یا با استناد به آثار دیگران به بررسی سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند، یک مزیت محسوب می‌شود.



«نقش‌های ملی» گرایش‌ها و ایستارهای اصلی در مورد جهان خارج و نیز متغیرهای سیستمی، جغرافیایی و اقتصادی را منعکس می‌سازند.

به همین دلایل در خطر فرو پاشیدن از درون می‌باشد» (ص ۱۸۶) و در صفحه بعد به گونه‌ای از تضاد بین آمریکا و اروپا سخن می‌گوید که گویی به زودی جنگ میان آنها در خواهد گرفت. و این در حالی است که هیچ داده و قرینه‌ای که دال بر اثبات این ادعاها باشد ارائه نمی‌شود.

۴- ناتوانی در تلفیق مبانی نظری و مصادیق عینی و موردی یکی دیگر از نقاط ضعف کتاب است. البته در برخی موارد مثل زمینه‌های آغاز جنگ و شرایط پذیرش قطعنامه، مؤلف به لحاظ تحلیلی موفق عمل می‌کنند ولی در موارد دیگر، بیان کتاب مانند گزارش‌های ژورنالیستی یا بیانیه‌های سیاسی است. در مباحث مربوط به سیاست خارجی دولت موقت، ماجرای مک‌فارلین، انقلاب اسلامی و نظام جهانی و جمع‌بندی کتاب این نکته به روشنی به چشم می‌خورد. (برای نمونه نگاه کنید به صفحه ۶۶).

۵- پراکندگی و یکدست نبودن مطالب و فتلان نظم و انسجام درونی میان مباحث مطرح شده و استفاده نکردن از منابع جدید، حتی در زبان فارسی مانند پایان‌نامه‌ها، مجلات تخصصی و کتابهای جدیدی که به مبانی و مباحث نظری پرداخته‌اند از جمله ضعف‌های دیگر کتاب است برای نمونه مراجعه به کتاب مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل تألیف هالستی و مجله سیاست خارجی ویژه اسلام و سیاست خارجی (بهار ۷۵)، ویژه سیاست خارجی ایران (بهار ۷۴) ویژه تحریم (بهار ۷۶) برای افزایش اعتبار و غنای تألیفی می‌توانست مفید باشد.

۶- شیوه درست نگارش منابع در پایان کتاب و یکدست بودن شیوه معرفی منابع، رعایت نشده است. مثلاً در مورد کتاب فرهنگ و شبه فرهنگ دکتر اسلامی‌نوشن، اشاره به شماره چاپ نشده است. تاریخ انتشار کتابهای انقلاب ایران در دو حرکت، ولایت فقیه، فقه سیاسی اسلام، و لاه‌ها و ولایت‌ها نیامده است. حتی ترتیب نگارش شانسانه منابع رعایت نشده است. مثلاً در منبع شماره ۳۷ نام ناشر در آخر آدرس پس از سال انتشار آمده است ولی در بقیه موارد نام ناشر قبل از تاریخ انتشار آمده است یا در برخی موارد محل نشر قبل از نام ناشر و در برخی موارد پس از نام ناشر آمده است.

۷- علیرغم کاستی‌هایی که مطرح شد از آنجا که مؤلف به موضوعات و رویدادهای عمده سیاست خارجی ایران در بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است، اثر او قابل

تقدیر است. زیرا کتاب‌هایی که تاکنون در این زمینه تألیف شده به طرح مسائل کلی سیاست خارجی اکتفا کرده و به این موضوعات و رویدادها به طور مشخص نپرداخته‌اند. امتیاز دیگر این کتاب این است که نویسنده خود در متن تحولات بوده و از نزدیک شاهد رویدادها بوده است و این ویژگی در مقایسه با منابعی که مؤلفان و پدیدآورندگان آنها از دور نظاره گر مسایل بوده یا با استناد به آثار دیگران، به شناخت نسبی از تحولات و مسایل دست یافته‌اند یک‌جزیت محسوب می‌شود. از سوی دیگر پیش از این اشاره شد که یکدست نبودن مقالات (فصل‌های) مختلف کتاب یکی از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود. در اینجا لازم است اشاره کنیم که برخی از مقالات همانند مقالاتی که در فصل‌های سوم و ششم کتاب در زمینه جنگ تحمیلی آمده‌اند از بخش‌های جدی و قابل توجه کتاب هستند. ضمن اینکه مؤلف با بررسی هشت سال از تاریخ جنگ تحمیلی، زمینه‌ها، بازتاب‌ها و پیامدهای آن را در عرصه سیاست خارجی ایران به خوبی تجزیه و تحلیل کرده است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که نگارنده با توجه به شناخت و آرزوهای که نسبت به مؤلف محترم کتاب دارد و با توجه به دو کتاب پربرابر ایشان در زمینه انقلاب اسلامی که پیش از این انتشار یافته^(۳)، به بررسی و نقد کتاب پرداخته است. به نظر می‌رسد بخش عمده این ضعف‌ها به فرصت کم مؤلف و اصرار و عجل‌ناشر کتاب برمی‌گردد و همین امر موجب شده تا این کتاب در حد آثار قبلی مؤلف نباشد.

پانویس:

- ۱- منوچهر محمدی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- ۲- تا پیش از انتشار کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل» کتاب‌های زیر در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است.
 - منصوری، جواد؛ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵.
 - لاریجانی، محمد جواد؛ مقلاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.
 - ایزدی بیژن؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
 - بخشایشی، احمد؛ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۵.
 - البته چند کتاب دیگر در زمینه سیاست خارجی در حکومت اسلامی به طور کلی نیز انتشار یافته است:
 - امینی، ابراهیم؛ سیاست خارجی حکومت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۰.
 - حقیقت، سیدصادق؛ مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
 - نخعی، هادی؛ توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.
 - ۳- نگاه کنید به:
 - محمدی، منوچهر؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۰.
 - محمدی، منوچهر؛ انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، بی‌جا: مؤلفه، ۱۳۷۲.